

جمعه، ۰۲ مرداد ۱۳۹۴ ساعت ۱۵:۱۰

• مزبان حبیبی / دانشجوی دکترای آنالیز ریاضی

مطلب ویژه سخنی با ساکنین خانه ی ملت



روزی برای بازدید از مجلس نمایندگان سوئد به ساختمان آن واقع در مرکز شهر استکهلم و در مقابل کاخ پادشاهی آن کشور مراجعه نموده بودم، در آن روزها دولت برای کاهش هزینه ها به قصد صرفه جویی، اقدام به تغییر نرم کلاس های مهد کودک نموده بود: قانون قبل: به ازای هر دو نفر یک مربی در مهد کودک حضور دارد. (در سوئد مهد کودک ها را داگیس می گویند) قانون جدید: به ازای هر سه نفر یک مربی در مهد کودک حضور دارد. آن روز اما درس خوبی از دموکراسی آنها گرفتم، مادران و پدران بسیاری به همراه فرزندان خود برای اعتراض در جلوی مدارس و شهرداری ها (متولیان امور شهری که یکی از آنها آموزش است) و مجلس حاضر شده بودند، در اعتراض به اینکه این تعداد بچه برای یک مربی منطقی نیست و آنها فرصت کافی برای تربیت و مراقبت از بچه ها ندارند. با یکی از والدین که صحبت می کردم، می گفت: من برای کنترل یکی از آنها در منزل دچار مشکلات فراوانی شده ام، چطور است که دولت انتظار دارد که مربیان سه نفر را با هم کنترل و تربیت کنند؟ (شما تصور کنید مربیان کشور ما به طور متوسط پانزده نفر را در کلاس

دارند)

خود

از طرف دیگر، پلیس و نیروهای امنیتی هم برای حفاظت از معترضین تمام همت خود را به کار گرفته بودند تا در این حرکت اعتراضی اولیا، خطری کسی را تهدید نکند، هیچ خیابانی مسدود نشد، هیچ را دستگیر نکردند، به کسی انگ براندازی زده نشد، هیچ کس به دیگری توهین نکرد، امنیت ملی هم به خطر نیفتاد، تمام روزنامه نگاران هم بودند.

تنها اتفاقی که افتاد این بود: **دولت، ضمن عذرخواهی، به قانون سابق بازگشته و قانون جدید را ملغی اعلام کرد.**

حال شما روز سی و یکم تیرماه، جلوی مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران را تصور کنید، تعدادی از فرهنگیان سراسر کشور برای یک اعتراض صنفی مسالمت آمیز، گرد هم آمده و جلوی مجلس قصد تجمع داشتند، نیروی انتظامی و نیروهای مشهور به لباس شخصی (همان هایی که به نماینده ی مجلس در شیراز هم حمله می کنند) در مقابل معلمان ظاهر شده و از آنها درخواست متفرق شدن می کنند، عده ای که می دانند اینجا سوئد نیست و نیروی انتظامی قرار نیست حامی آنها باشد، محل را ترک می کنند اما برخی که تصور می کردند اینها برای حمایت از آنها آمده اند تا بتوانند در آزادی مطلق! درخواست های خود را بیان کنند، می مانند، می مانند اما در یک لحظه شرایط تغییر می کند و شد آنچه نباید می شد. دستگیری معلمانی که قرار است مهرماه امسال درس آزادگی به فرزندان مملکت را در کلاس درس نجوا کنند. (وقتی ون های مخصوص حمل دستگیرشدگان همراه نیروی انتظامی است، خود مفهوم خاصی دارد)

ضرب و شتم کسانی که برای تظلم خواهی به خانه ی ملت آمده اند. حال سخنی با نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی جمهوری اسلامی ایران دارم ؛ عالیجنابان، در تمام مجلس های کشورهای مترقی (حتی برخی کشورهای عقب افتاده) در مقابل مجلس جایی برای اعتراضات پیش بینی شده و در پاره ای کشورها، سیستم های صوتی و خوابگاه و ... هم برای معترضین مهیا شده است، شما چه کرده اید؟ زینده ی نظام جمهوری اسلامی نیست که در مقابل خانه ی ملت و در مقابل دیدگان نمایندگان

آنها، مردم ضرب و شتم شوند، آن هم فرهنگیان کشور. شاید این ها ملت نبودند؟ فرهنگ‌یانی که نبض تربیت نسل آینده را در اختیار دارند.

خانم ها و آقایان نماینده ی مجلس!

توجه داشته باشید که این برخوردها در کارنامه ی شما ثبت خواهد شد، تا دیر نشده در مقام
دلجویی **از** **فرهنگیان** **کشور** **برآئید.**
در روز وقوع حادثه ی تلخ ضرب و شتم فرهنگیان در مقابل خانه ی ملت، چندی از نمایندگان از جمله نماینده شجاع و عدالت پیشه ای به نام « علی مطهری » و آزاداندیشانی چون « ابوترابی »، ضمن تقبیح برخورد نیروهای لباس شخصی با فرهنگیان و حرکت نیروی انتظامی در دستگیری آنها، تا حدودی چهره ی مخدوش نمایندگان را ترمیم نمودند، تا دیر نشده به خود بیائید و فراموش نکنید که اسفند ماه امسال شما به تایید همین فرهنگیان نیاز دارید.
شنیده شده که به درخواست هیئت رئیسه ی مجلس و به دستور دادستانی، همکاران بازداشتی آزاد شده اند که در این صورت جای بسی سپاس از هیئت رئیسه، نیروی انتظامی و دادستانی است که جلوی بهانه جویی رسانه های بیگانه را گرفتند ؛ چون این مساله یک مساله درون خانوادگی است و ما خود آن را حل خواهیم کرد، هم بازداشتی ها هم وطنان ما هستند و هم نیروی انتظامی، پس باید سعی کنیم این موارد در داخل و بدون سواستفاده دشمنان خارجی، حل و فصل شود.

اما با توجه به درخواست معاون اول رئیس مجلس از وزارت کشور برای پیگیری برخورد نامناسب دیروز نیروی انتظامی و لباس شخصی ها با نمایندگان معلمان روبه روی مجلس (که خانه ی ملت می خوانندش) ؛ می توان امیدوار بود که حقوق ملت استیفا شود .
شاید روزی برسد که مردم (با معنی عام آن) بتوانند حقوق خود را بدون ترس از بازخواست، مطالبه و دنبال کنند.
سوالی که باید نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی برای اقناع افکار عمومی ، پاسخ دهند این است که:

اگر تعدادی معلم فرهنگی آن هم برای یک اعتراض صنفی، نتوانند در محوطه ی جلوی مجلس تجمع کنند و اگر نماینده مجلس شورای اسلامی نتواند در شهری مثل شیراز و آن هم در محیط دانشگاه سخنرانی کند ، مردم عادی چگونه خواهند توانست حقوق خود را مطالبه کنند؟

مگر نه اینکه از تعالیم امام علی (ع) است که مردم باید بتوانند بدون لکنت زبان حقوق خود را از حاکم طلب کنند؟

مگر نه این است که اعرابی عامی، بر امام عادل شمشیر کشید و به او گفت: به خدا قسم اگر پایت را کج بگذاری با همین شمشیر آن را راست خواهم کرد (نقل به مضمون). امام علی(ع) با این اعرابی صحرا گرد چه کرد؟

و مگر حق تجمع و تظاهرات بدون حمل سلاح و بدون لطمه زدن به امنیت ملی ، از حقوق مصرح در قانون اساسی نیست؟ (اصل بیست و هفتم قانون اساسی) حال سوال مهمتر این است که:

تجمع معلمان در سی و یکم تیرماه نود و چهار، چه مشکلی برای امنیت ملی ایجاد می کرد که باید به این شدت با آن برخورد می شد؟ و یا اینکه نیروی انتظامی در دست معلمان سلاحی به جز « قلم » دیده بود که آن گونه نسبت به دستگیری آنان اقدام کرد؟

اگر ما معلمان نتوانیم بدون ترس از دستگیری و بازخواست ، از متولیان کشور درخواست پاسخگویی کنیم ؛ چگونه خواهیم توانست درس آزادی و آزاداندیشی را به نسل آینده آموزش دهیم؟ یا شاید از دیدگاه شما " پرورش " را باید از وظایف وزارت آموزش و پرورش جدا کرد؟

باید تکلیف خود را همین امروز روشن کنید:

شما نسل معترض به مجری قانون را می خواهید یا نسلی سرکش در مقابل اصول قانون؟ اگر ما نتوانیم اعتراض به مجری قانون را به فرزندان آینده ساز این مملکت آموزش دهیم، لاجرم در بزرگسالی سرکش خواهند شد و دیگر با تغییر مجری قانون قانع نخواهند شد، به خود بیایید.

شماها گرامیان عزیز ؛ چه بخواهید چه نخواهید ، باید تاثیر پذیری نوجوانان و جوانان از معلمان را بپذیرید و بدانید که معلمانی که ترس از مطالبه حقوق خود را دارند ، از تربیت نسل منضبط و اندیشمند عاجز است و لذا این تربیت به خارج از سیستم منتقل خواهد شد و چنین است که شاهد تاثیر وحشتناک تلویزیون های آن سوی مرزها هستیم و شاهدیم که صدا و سیمای عریض و طویل ما با این همه هزینه های هنگفت، قادر نیست با تلویزیون هایی با بیست متر استودیو، رقابت کند و از مقابله با هجوم های فرهنگی آنان عاجز است. ریاست محترم مجلس ، هیئت رئیسه گرامی ، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، ؛توجه داشته باشید که کارنامه ی شما نزد فرهنگیان کشور در حدی نیست که بتوانید نمره قبولی بگیرید ؛ چند دلیل آنرا خدمت تان عرض می کنم:

* عدم حمایت از جنبش های خودجوش و قانون مدار فرهنگیان در چند سال گذشته که تنها خواسته آنان رفع تبعیض در جامعه است.

* سخنرانی ها و مصاحبه های مختلف شما و همکاران تان برای زیر سوال بردن خواسته های برحق فرهنگیان و تخطئه های آنان علیه فرهنگیان معترض به جای پاسخگویی و پیگیری خواسته های فرهنگیان.

* عدم پیش بینی و تصویب افزایش حقوق فرهنگیان منطبق با تورم ، بر خلاف تصریح قانون بودجه.(افزایش بودجه ی آموزش و پرورش الزاما به معنی افزایش حقوق ما نیست چرا که سال هاست بودجه وزارتخانه بیش از سی درصد افزایش یافته اما حقوق ما کمتر از بیست درصد) * موضع گیری های نابه جای گاه و بیگاه همکاران شما بر علیه فرهنگیان و ارائه آمار ناصحیح به قصد تشویش اذهان جامعه علیه حرکت برحق فرهنگیان.

* عدم حضور در مجامع فرهنگیان در سال های گذشته و پاسخگو نبودن نمایندگان ملت در مقابل ملت.

* برخورد ناصحیح همکاران شما با نمایندگان اعزامی فرهنگیان به مجلس جهت تحویل طومارهای امضا شده

و سخن آخر اینک:

آخرین مهلت شما برای این که بتوانید تحت حمایت فرهنگیان کشور قرار گیرید ، زمان منتهی به انتخابات است ؛ چرا که با این شرایط امید راهیابی مجدد به مجلس را از سر بیرون کنید.